



فصلنامه علمی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)

سال پانزدهم، شماره ۴۶، بهار ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۸۶-۱۴۹

شباهت‌ها و تفاوت‌های واژگانی در ترکی رایج در کرمان و ترکی آذری تبریزی^۱ پونه مصطفوی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۲

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های واژگانی ترکی رایج در آبادی‌های ترکی زبان شهرستان ارزوئیه در استان کرمان و ترکی آذری گونه تبریزی پرداخته است. پیکره پژوهش از داده‌های موجود در نرم‌افزار اطلس ملی زبانی ایران اقتباس شده است؛ اطلس زبانی ایران که در پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری در حال تدوین است. این داده‌ها، به وسیله پرسشنامه‌ای مشتمل بر ۱۰۵ واژه و پاره گفته و ۳۶ جمله به روش مصاحبه رودررو از گویشوران ترکی زبان ساکن در آبادی‌های ترک‌زبان شهرستان ارزوئیه در استان کرمان گردآوری شده‌اند. پیکره این پژوهش شامل ۸۶۰ واژه است. داده‌ها بر اساس مبنای نظری پژوهش، توصیف و تحلیل شده و با واژه‌های ترکی آذری گونه تبریزی مقایسه شده‌اند. مبنای مقایسه برای ترکی آذری، شم زبانی نگارنده و فرهنگ‌های ترکی است. ترکی رایج در شهرستان ارزوئیه استان کرمان، از جنبه واژگانی، شباهت‌های بسیاری با ترکی آذری گونه تبریزی دارد. تفاوت‌های واژگانی بین این دو گونه ترکی ناشی از معادل‌هایی است که گویشوران تحت تأثیر زبان فارسی محلی رایج در آن منطقه در گویش خود به کار می‌برند. به سبب آنکه هدف از پژوهش حاضر بررسی شباهت‌های واژگانی بین این دو گونه ترکی است، تفاوت‌های آوایی در این معادل‌های واژگانی، نادیده انگاشته می‌شوند. به طور کلی، شباهت‌های بسیار زیاد معادل‌های واژگانی در زبان ترکی رایج در آبادی‌های ترکی زبان شهرستان ارزوئیه استان

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2022.39299.2147

شناسه دیجیتال (DOR): 20.1001.1.20088833.1402.15.1.6.9

^۲ استادیار پژوهشکده زبان‌شناسی، کتبی‌ها و متون، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران؛

pmostafavi@richt.ir

کرمان با معادل‌های زبان ترکی آذری گونه تبریزی، نشان می‌دهد که ترکی رایج در منطقه مورد بررسی، همانند ترکی آذری گونه تبریزی از شاخه اوغوز در خانواده زبان‌های ترکی تبار است.

واژه‌های کلیدی: شباهت‌های واژگانی، تفاوت‌های واژگانی، تماس زبانی، ترکی آذری گونه تبریزی، ترکی کرمان، روستاهای ترکی زبان استان کرمان

۱. مقدمه

مطالعه تاریخ زبان‌های ترکی تبار^۱ در واقع از طریق بررسی تاریخ سخنگویان آن انجام می‌پذیرد (Clauson, 2002, p. 1). البته این موضوع در مورد دیگر زبان‌ها نیز کاربرد دارد. سخنگویان زبان‌های این خانواده زبانی از جنبه جغرافیایی در کشورهای ترکیه، قفقاز، ایران، قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و تاتارستان پراکنده هستند. جامعه‌های ترکی تبار دیگری نیز در شمال غربی چین زندگی می‌کنند (Kornfilt, 1991, p. 519). یوهانسون (Johanson, 1998, p. 81). با بررسی تاریخچه‌ای از زبان‌های ترکی تبار در طول ۱۲۰۰ سال، بر این باور است که زبان‌های ترکی تبار از جنبه خویشاوندی وابستگی‌ها و از نظر ویژگی‌های آوایی، واجی، ساخت‌وازی و نحوی شباهت‌هایی با هم دارند. از دید منگس (Menges, 1995, p. 16)، سخنگویان ابتدایی زبان‌های ترکی تبار در مغولستان شمالی امروز، زندگی می‌کردند و این منطقه‌ها، محل سکونت اصلی مردمان آلتایی کهن بوده‌است. به هر حال، یوهانسون (Johanson, 1998) در پژوهش‌های خود دسته‌بندی ارائه می‌دهد و می‌کوشد تا پراکندگی زبان‌های ترکی تبار را از جنبه خویشاوندی و ویژگی‌های رده‌شناختی نشان دهد. او دسته‌بندی حاضر را ارائه کرده‌است (Johanson, 1998, p. 82-83): ۱- شاخه جنوب غربی، ترکی اوغوزی^۲ ۲- شاخه شمال غربی، ترکی قپچاقی^۳ ۳- شاخه جنوب شرقی، ترکی اوغوری^۴ ۴- شاخه شمال شرقی، ترکی سیبریایی^۵ ۵- چوواشی^۶، که نماینده ترکی‌های اوغوری^۷ یا بولغاری^۸ است ۶- خلجی^۹، که نماینده زبان‌های ترکی آرگویی^{۱۰} است. هر یک از این شاخه‌ها نیز

¹ Turkic languages

² Oghuz Turkic

³ Kipchak Turkic

⁴ Uyghur Turkic

⁵ Siberian Turkic

⁶ Chuvash

⁷ Oghur Turkic

⁸ Bulghar Turkic

⁹ Khalaj

¹⁰ Arghu Turkic

گروه‌بندی‌هایی دارند که به سبب محدودیت حجم مقاله از آوردن آن‌ها پرهیز شد.

به باور احمدی گیوی (Ahmadi Givi, 2004, p.3)، زبان ترکی از نظر خاستگاه، در شمار زبان‌های اورال-آلتایی است. زبان ترکی آذری، زبان بخش بزرگی از شمال غرب ایران، مشتمل بر استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان و نیز بخشی از مناطق مرکزی و استان گیلان است. زبان ترکی آذری، دارای گونه‌های متفاوتی است که در شهرها و شهرستان‌های مختلف مانند تبریز، اردبیل، ارومیه، خلخال، میانه، سراب، پارس‌آباد و سایر شهرستان‌ها رایج است. ترکی‌ای که در ایران و سراسر آذربایجان، جنوب قفقاز و آسیای صغیر به گویش همگانی تبدیل شد، ترکی اوغوزی است. آن را گاه ترکی شیعی، ترکی علوی، ترکی ایرانی و اغلب «ترکی آذری» نامیده‌اند (Kashghari, 2004, p. 47). سخنگویان زبان ترکی در منطقه‌های مختلفی از ایران زندگی می‌کنند. در کرمان نیز دو ایل از ترکی‌زبانان ساکن وجود دارند که برخی از آن‌ها از اقوام افشار هستند. افشار، نام یک گروه بزرگ و نیرومند قومی عشایری از اقوام ترک زبان ایران است (Field, 1964, p. 49). ایل افشار از ترکان اوغوز بودند (Hamedani, 1959, p. 35). آن‌ها در منطقه‌های مختلفی از ایران مانند خوزستان، همدان، زنجان، قزوین و مانند آن زندگی می‌کنند. از تاریخ کوچ اقوام افشاری به استان کرمان آگاهی دقیقی در دست نیست. ولی قدیمی‌ترین خبر از زمان به قدرت رسیدن شاه اسماعیل اول بوده است (Bulukbashi, 2015). ایل افشار از ترکمانانی بودند که از زمان حمله مغول بر ترکستان، از این سرزمین مهاجرت کردند و در آذربایجان سکونت یافتند. بخشی از آن‌ها در زمان شاه اسماعیل (۹۱۵-۹۱۶هـ.ق) به کرمان آمدند و خوان‌های آن‌ها حکومت کرمان را عهده‌دار شدند (Majdoleslam Kermani, 1972, p.9). در اواخر دوره قاجار ایل افشار از ایلهای اصلی کرمان بوده است (Zand-e Razavi, 1993, p. 177). از ایلهای دیگری که در کرمان ساکن و ترک‌تبار هستند، ایل بجاچی است که در زمان نادرشاه از قره‌داغ آذربایجان به کرمان کوچانده شده‌اند. این ایل از ایلهای مهم کرمان به شمار می‌آید. باستانی پاریزی (Bastani Parizi, 1975, p. 428) معتقد است که زمان مهاجرت آن‌ها معلوم نیست و ظاهراً از آذربایجان به کرمان منتقل شده‌اند. نام این ایل از دو واژه ترکی «بچاق» و «چی» تشکیل شده است و به معنای «چاقودار یا دشنه‌دار» است (Afshar Sistani, 1987, p. 696).

پژوهش حاضر بر آن است تا با بهره‌گیری از داده‌های زبانی آبادی‌های ترکی‌زبان شهرستان ارزوئیه از هر دو بخش مرکزی و صوغان در استان کرمان، شباهت‌ها و تفاوت‌های واژگانی در ترکی رایج در این منطقه با ترکی آذری گونه تبریزی، مورد بررسی قرار گیرد. داده‌های زبانی

مورد بررسی از پایگاه داده‌های زبانی اطلس زبانی ایران که در پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری در حال تدوین و تکمیل است، استخراج شده‌اند. این شهرستان با پهنای ۴۹۸۰ کیلومتر مربع، بر پایه گزارش مرکز آمار در سال ۱۳۹۵ تعداد ۳۸۵۱۰ نفر جمعیت داشته‌است. ارزوئیه در ۶۰ کیلومتری شهرستان بافت و ۲۸۰ کیلومتری شهرستان کرمان واقع است^۱. ویژگی‌های نحوی ترکی رایج در آبادی‌های ترکی زبان این شهرستان بسیار شبیه ویژگی‌های نحوی ترکی آذری گونه تبریزی است و این دو گونه ترکی از جنبه واژگانی با هم تفاوت‌های اندکی دارند که آن هم نتیجه تماس زبانی با فارسی محلی رایج در استان کرمان است. در این پژوهش تفاوت‌های آوایی در واژه‌ها نادیده گرفته شده‌اند.

در پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری طرح پژوهشی ملی با عنوان «طرح تدوین اطلس ملی زبانی ایران» برای هر استان به صورت جداگانه، در دست تدوین است. این اطلس یک اطلس رایانه‌ای و قابل پیشرفت است. داده‌های زبانی پژوهش حاضر از داده‌های زبانی موجود در پایگاه داده‌های نرم‌افزار این اطلس ملی زبانی از استان کرمان اقتباس شده‌اند. طرح تدوین اطلس ملی زبانی ایران از خرداد ماه ۱۳۵۳ به منظور شناسایی گویش‌های ایران، با نمونه‌برداری از همه آبادی‌های بالای ده خانوار پراکنده در پهنه کشور ایران آغاز شد. برای انجام آن، پرسشنامه‌ای متشکل از ۱۰۵ واژه و پاره گفته و ۳۶ جمله در دهه ۵۰ شمسی تهیه شد. واژه‌ها و جمله‌های پرسشنامه مورد اشاره شامل واژه‌های پایه و سازگار با تنوعات جغرافیایی و فرهنگی ایران هستند. در این طرح، از هر نقطه جمعیتی، به ازای هر گونه زبانی متمایز، یک مصاحبه با یک گویشور منتخب انجام و نمونه‌های گردآوری شده نیز به وسیله کارشناسان آوانویسی می‌شوند. گویشوران بر مبنای مقررات شیوه‌نامه این اطلس انتخاب شده‌اند که بومی زبان، مورد تأیید دیگر اعضای جامعه زبانی، در گفتار خود شیوا و بی کاستی باشد. همچنین از معیارهای دیگر انتخاب گویشور، بی سواد بودن، یک زبانه بودن، میان سال بودن است. از طرفی هم آزمودنی باید ساکن آبادی باشد و دچار تعصب نباشد. همچنین مسئولیت پذیر و توجیه پذیر و در ارائه اطلاعات راست گو باشد (Parmun, 2007, p. 27-31, 49-50).

۲. روش پژوهش

پیکره پژوهش حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده، مشتمل بر ۸۶۰ واژه است. این پیکره از بخش واژگان پرسشنامه طرح اطلس ملی زبانی ایران اقتباس شده و شامل واژگان پایه

^۱ اطلاعات شهرستان ارزوئیه برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی فرمانداری ارزوئیه به آدرس <https://orzooeyeh.kr.ir> است.

است. در حال حاضر، در پایگاه داده‌های نرم‌افزار اطلس ملی زبانی ایران، فقط داده‌های زبانی ۱۰ آبادی ترکی زبان از شهرستان ارزوئیه در استان کرمان در دسترس است. بنابراین پیکره پژوهش شامل داده‌های این ۱۰ آبادی به نام‌های دامنه تیرفت، سرخان، سرگز دولت‌آباد، شاهماران، علی‌آباد، فتح‌آباد، محمودآباد، موتور بیست و هفت خرداد، موتور زرگرها و موتور قرخمزه‌ای است. این داده‌های زبانی را پیشتر مصاحبه‌کننده‌های آموزش دیده در دهه ۸۰ شمسی با مراجعه حضوری به منطقه‌های مورد نظر، از گویشورانی که با شرایط پیش گفته انتخاب شده‌اند، با روش مصاحبه رودرو و از طریق پرسشنامه اطلس گردآوری کرده‌اند. تعداد مصاحبه‌شوندگان ۱۰ نفر شامل ۵ زن و ۵ مرد بین سنین ۱۵ سال تا ۸۳ سال است. فایل‌های صوتی مصاحبه‌های مورد نظر پژوهش در پایگاه داده‌های نرم‌افزار اطلس پیش گفته بارگذاری شده‌اند. لازم است این موضوع افزوده شود که نگارنده هیچ‌گونه دخالتی در امر گردآوری این داده‌ها نداشته و فقط از داده‌های زبانی موجود در این پایگاه برای انجام این پژوهش بهره گرفته است. برای آسانی تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر، واژه‌ها در جدول‌های جداگانه‌ای با دسته‌بندی روابط خویشاوندی (۱۷ مورد)، واژه‌های مربوط به طبیعت (۱۱ مورد)، واژه‌های مربوط به گیاهان (۵ مورد)، واژه‌های مربوط به اعضای بدن (۴ مورد)، واژه‌های مربوط به نام حیوانات (۱۰ مورد)، واژه‌های مرتبط با خوراکی‌ها (۴ مورد)، اعداد یک تا ده و سه عدد «بیست»، «صد» و «هزار» (اعدادی که در پرسشنامه اطلس زبانی ایران موجودند) (۱۳ مورد)، ضمیرهای فاعلی (۶ مورد)، قیدهای مکان (۴ مورد)، صفت‌های اشاره (۲ مورد) و «سایر کلمات» (۱۰ مورد) قرار داده شدند. منظور از «سایر کلمات» واژه‌هایی هستند که در هیچ‌یک از طبقه‌بندی‌های اشاره‌شده بالا نمی‌گنجند. برای مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌های واژگانی با ترکی آذری گونه تبریزی، از شم زبانی نگارنده و فرهنگ‌های ترکی بهره گرفته شده است.

پژوهش حاضر افزون بر بخش مقدمه و روش پژوهش، شامل بخش‌های پیشینه پژوهش، مبانی نظری، تحلیل داده‌ها و بحث و نتیجه‌گیری است. هدف از انجام این پژوهش پاسخ به دو پرسش است: نخست اینکه، میزان شباهت‌ها و تفاوت‌های واژگانی بین واژه‌های مورد بررسی در پیکره پژوهش و معادل‌های آن‌ها در ترکی آذری از جنبه آماری چقدر است؟ دوم آنکه، تأثیر تماس زبانی ترکی رایج در آبادی‌های مورد بررسی، با زبان فارسی محلی رایج در روستاهای هم‌جوار آن‌ها چیست؟ آیا فارسی محلی رایج در آبادی‌های هم‌جوار، بر زبان ترکی آبادی‌های مورد بررسی تأثیر دارد؟

۳. پیشینه پژوهش

در مورد زبان‌های ترکی تبار دانشمندان غیر ایرانی و ایرانی پژوهش‌های فراوانی دارند. ولی پژوهش زبان‌شناختی از نوعی که در این مطالعه انجام گرفته، در مورد ترکی رایج در استان کرمان تا زمان انجام این پژوهش مشاهده نشده است. در مورد بررسی‌های مربوط به تنوع واژگانی در زبان‌های ایرانی به دو مورد زیر اشاره می‌شود:

امینی (Amini, 2021) پژوهشی درباره تنوع واژگانی در آبادی‌های شهرستان خرم‌آباد و به طور ویژه در مورد این تنوع در دو زبان لری و لکی انجام داده است. وی مقوله‌های واژگانی را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که بخش عمده‌ای از واژگان لری و لکی در این شهرستان مشترک هستند. به گونه‌ای که تنوع واژگانی و ضریب تنوع دو زبان در بیشتر مقوله‌های مورد بررسی او در کل بسیار به هم نزدیک است. با این حال، تفاوت‌هایی نیز مشاهده می‌شوند به گونه‌ای که برخی واژه‌ها فقط در لری و پاره‌ای نیز فقط در لکی به کار می‌روند. به باور وی، به سبب اثرپذیری‌های زبان لری از زبان لکی، عناصر واژگانی که در لری این منطقه به کار می‌روند، در گونه‌های لری دیگر منطقه‌های ایران مشاهده نمی‌شوند.

رستم‌بیک (Rostambeik Tafreshi, 2016) تنوع واژگانی را در قالب اطلس گویشی در استان همدان بر روی چهار مقوله واژگانی، واژه‌های مربوط به «طبیعت»، «زمان»، «نسبت خانوادگی» و «اسامی حیوانات» بررسی کرده و درصد فراوانی واژه‌های به کار گرفته شده و همچنین بیشترین و کم‌ترین شباهت‌ها در این واژه‌ها را در شهرستان‌های اسدآباد، توپسرکان، ملایر، نهاوند و همدان به دست آورده است. در پژوهش وی، شباهت گویشی بین ملایر و نهاوند بیشتر از سایر شهرستان‌هاست. تنوع واژگانی نیز در مقوله «طبیعت» بیشترین و در «اسامی حیوانات» کم‌ترین مقدار است.

پژوهشگرانی همچون رضایی (Rezai, 2019)، حیدری (Heidari, 2020)، امینی (Amini, 2014)، نبی‌فر و منشی‌زاده (Nabi Far & Monshizade, 2012)، حیدری و روحی (Heidari & Rouhi, 2014)، نبی‌فر (Nabi Far, 2016)، حیدری (Heidari, 2019a)، حیدری (Heidari, 2019b)، بهرامی خورشید و همکاران (Bahrami Khorshid et al., 2018)، جعفری و میردهقان (Jafari & Mirdehghan, 2018)، صفایی اصل (Safai Asl, 2015)، فرشبافیان و همکاران (Farshbafian et al., 2019) در مورد زبان آذری مطالعات زبان‌شناختی در حوزه‌های مختلف انجام داده‌اند. افزون بر مطالعات مورد بررسی، پژوهش‌هایی نیز همچون پژوهش میرواحدی (Mirvahedi, 2016) و رضاقلی‌فامیان (RezaGholi Famian, 2016) مشاهده می‌شود که به موضوع دیگری می‌پردازند. پژوهش‌های

آن‌ها به ترتیب یکی تحلیل سیاست‌گذاری‌های زبانی در شکل‌نگرش‌ها و رفتارهای زبانی در خانه، در چند خانواده ترکی زبان در شهر تبریز و دیگری نگرش مردم تبریز در مورد تنوعات گویشی در استان آذربایجان شرقی با تأکید بر سه شاخص، تفاوت زبان، درست بودن و خوشایندی است.

دانشمندان غیر ایرانی نیز در مورد زبان‌های ترکی تبار پژوهش‌های بسیاری انجام داده‌اند. کلاسن (Clouston, 2002) در کتاب خود تاریخچه اقوام ترکی زبان، دگرگونی تاریخی این زبان‌ها و برخی از ویژگی‌های آوایی، نحوی و ساخت‌واژی زبان‌های ترکی تبار را مورد بررسی قرار داده‌است.

یوهانسون (Johanson, 2010) در مقاله‌ای به بررسی برخورد زبانی زبان‌های ترکی تبار با زبان‌های خویشاوند و غیرخویشاوند پرداخته‌است. به باور وی، عوامل ساختاری و اجتماعی بر ورود عناصر زبانی در زبان‌های ترکی تبار تأثیر دارند. زبان‌های ترکی تبار در تماس با زبان‌های فارسی و عربی، واژه‌های زیادی را از این زبان‌ها قرض‌گیری کرده‌اند. بیشتر واژه‌هایی که از عربی قرض‌گیری شده‌اند، نیز از طریق زبان فارسی وارد زبان‌های ترکی تبار شده‌اند. قرض‌گیری فقط به واژه‌ها محدود نمی‌شود و در مواردی، حتی بعضی‌ونها نیز قرض‌گیری شده‌اند.

لیوین و همکاران (Lyovin, et al., 2017) در پژوهش‌های خود درباره زبان‌های ترکی تبار به این نکته اشاره می‌کنند که با وجود گستردگی جغرافیایی زبان‌های ترکی تبار در دنیا، اعضای این خانواده زبانی بسیار شبیه هم هستند و در بین سخنگویان آن‌ها به میزان زیادی درک متقابل زبانی وجود دارد (Lyovin, et al., p. 129-131).

استیلو (Stilo, 2014) در مقاله‌ای، زبان آذری ایران و جمهوری آذربایجان را به عنوان یکی از زبان‌های حوزه رود ارس برای تهیه اطلس زبانی زبان‌های حوزه این رود بررسی کرده‌است. او معتقد است که زبان فارسی در حوزه واژگان بر روی ترکی آذری تأثیر داشته‌است ولی این تأثیر در ساخت (واج‌شناسی و دستور) وجود نداشته‌است. در واقع، تأثیر بر روی ساخت از طریق دیگر زبان‌های ایرانی غیر از زبان فارسی مانند تاتی (زبان‌های شمال غربی) و تاتی قفقازی^۱ (از زبان‌های ایرانی جنوب غربی) انجام گرفته‌است (Stilo, 2014, p. 272).

لی (Lee, 1996) در رساله دکتری خود، به زبان آذری در ایران به طور جامع و کامل پرداخته‌است. او از داده‌های زبانی ارومیه و تبریز برای توصیف دستور زبان ترکی استفاده کرده‌است و بیان می‌کند که این دو گونه ترکی جز در مواردی از جنبه آوایی بسیار شبیه هم

^۱ Caucasian Tat

هستند.

یوهانسون (Johanson, 2006) در مقدمه کتاب *مناطق تماس زبان‌های ایرانی-ترکی تبار*، جنبه‌های تاریخی و زبانی، به جنبه‌های تاریخی، فرهنگی و زبانی هم‌جواری تعامل زبان‌های ایرانی و ترکی تبار می‌پردازد. وی اشاره می‌کند که به دلیل تعاملات زیادی که اقوام ترک با ایرانیان داشته‌اند، قرض‌گیری‌هایی بین آن‌ها چه از جنبه فرهنگی و چه از دید زبانی انجام گرفته‌است (Johanson, p. 2).

استیلو (Stilo, 2016) در مورد نفوذ زبان‌های ایرانی غیر فارسی در آذربایجانی مقاله‌ای نگارش کرده‌است. به باور او فرضیه‌های بسیاری درباره نفوذ ایرانیان بر ترک‌های سلجوقی و پس از آن بر زبان‌های اوغوز مرکزی و غربی وجود دارد و زبان فارسی و زبان‌های محلی غیر فارسی بر روی این زبان‌ها تأثیر داشته‌است. منگس (Menges, 1995) و یوهانسون (Johanson, 1998) نیز در مورد زبان‌های ترکی تبار پژوهش‌هایی انجام داده‌اند که مطالب این آثار در بخش مقدمه شرح داده شده‌است.

۴. مبانی نظری

شباهت‌ها و تفاوت‌های واژگانی سبب می‌شود که تنوع‌های واژگانی نیز مورد توجه قرار گیرند. گیراتر و همکاران (Geeraerts et al., 1994, p. 3-4) به چهار نوع تنوع‌های واژگانی باور دارند. تنوع‌های مربوط به معنا که در آن‌ها یک عنصر واژگانی معین به مصداق‌های جداگانه اشاره می‌کنند. تنوع‌های مربوط به نام‌گذاری که در آن‌ها یک مصداق با استفاده از مقوله‌های واژگانی جداگانه نام‌گذاری می‌شوند. تنوع‌های صوری که در آن‌ها یک مصداق خاص را با مقوله‌های مختلف نام‌گذاری می‌کنند، بدون توجه به اینکه این مقوله‌های واژگانی به مفاهیم متفاوتی متعلق هستند یا خیر و در نهایت تنوع‌های بافتی که به عواملی مانند میزان رسمی بودن یا غیر رسمی بودن مکالمه‌ها یا وضعیت جغرافیایی و اجتماعی مشارکت‌کننده‌ها در گفت‌وگوها مربوط است. در مقاله حاضر فقط تنوع صوری بین واژگان مورد نظر، بررسی خواهد شد.

همان‌گونه که پیشتر نیز اشاره شد تماس‌های زبانی زبان ترکی با فارسی و همچنین با سایر زبان‌های ایرانی، در طول تاریخ موجب تغییراتی در آن‌ها شده‌است. هنگامی که زبان‌های مختلف با هم تماس دارند در صورت‌های گفتاری‌شان شبیه هم می‌شوند (Winford, 2003, p. 2). برخورد زبان‌ها یافته‌های متفاوتی را برای زبان‌های در حال تماس ایجاد می‌کند ولی اصلی‌ترین تظاهر آن، قرض‌گیری بین آن‌هاست و قرض‌گیری واژگان رایج‌ترین است (Capuz, 1977, p. 87). مدت‌ها تصور می‌شد که ساخت‌های دستوری و نحو زبان‌ها از قرض‌گیری در امان هستند

ولی بررسی‌های دانشمندانی از جمله توماسون و کافمن (Thomason & Kaufman, 1988)، هریس و کمپبل (Harris & Campbell, 1995) و آیکن‌والد (Aikhenvald, 2002) نشان داد که این ساخت‌ها نیز در شرایط مختلف ممکن است در معرض قرض‌گیری قرار گیرند. از میان یافته‌های بررسی‌های آن‌ها به توماسون و کافمن (Thomason & Kaufman, 1988, p.74-76) اشاره می‌شود. آن‌ها برای موضوع قرض‌گیری، پیوستار زیر را با اشاره به این که مرز بین این بخش‌ها قابل تفکیک نیست، پیشنهاد کرده‌اند:

- ۱- برخورد زبانی اتفاقی^۱
- ۲- برخورد زبانی با شدت کم^۲
- ۳- برخورد زبانی با شدت زیاد^۳
- ۴- فشار فرهنگی شدید^۴
- ۵- فشار فرهنگی بسیار شدید^۵

مرحله نخست، به شرایطی اشاره دارد که در آن کم‌ترین فشار فرهنگی وجود دارد. توماسون و کافمن (Thomason & Kaufman, 1988) در این مرحله فقط انتظار قرض‌گیری واژگانی (واژگان غیر پایه) دارند (Thomason & Kaufman, 1988, p. 77). در مرحله دوم و سوم، واژه‌های نقشی مانند حروف ربط، جزء قیدی، حروف اضافه، ویژگی‌های فرعی واجی، نحوی، واژگانی و معنایی و احتمالاً وندهای تصریفی و اشتقاقی قرض‌گیری می‌شوند. از مرحله سوم به بعد ضمیرهای شخصی و اشاره و اعداد و ارقام پائین که به واژگان پایه تعلق دارند از زبان اعطاکننده به زبان پذیرنده منتقل می‌شود. در مرحله فشار فرهنگی شدید، ویژگی‌های اصلی ساختاری قرض‌گیری می‌شوند که این پدیده منجر به تغییرات نسبتاً کم رده‌شناختی خواهد شد. قرض‌گیری‌های واجی در این مرحله از مرحله‌های پیشین بیشتر هستند. در مرحله فشار فرهنگی بسیار شدید یعنی مرحله پنجم، ویژگی‌های اصلی ساختاری قرض‌گیری می‌شوند و این نوع قرض‌گیری سبب تغییرات اساسی و مهم رده‌شناختی می‌شود. قواعد واژواجی^۶ به زبان قرض‌گیرنده افزوده می‌شود و تغییرات آوایی نیز ممکن است رخ دهد. در این شرایط حتی احتمال دارد ساخت‌واژه نیز از صورت تصریفی به پیوندی تغییر کند (همان، ۷۴-۷۶). از سلسله مرحله‌های بالا چنین بر می‌آید که هرچه شدت برخورد زبان‌ها بیشتر باشد، ویژگی‌های زبانی بیشتری قرض‌گیری خواهد شد.

لی (Lee, 1996, p.5-7) معتقد است که اگر بخواهیم زبان آذری ایران را در این پیوستار قرار دهیم، تقریباً در سطح چهارم قرار می‌گیرد. زیرا قرض‌گیری‌های بسیاری در حوزه واژگان در

¹ casual contact

² slightly more intense contact

³ more intense contact

⁴ strong cultural pressure

⁵ very strong cultural pressure

⁶ Morphophonemic rules

زمینه‌های علوم، فناوری، دینی و مذهبی، امور مربوط به ادارات از زبان فارسی انجام گرفته‌است. گاهی اصطلاح‌های مربوط به خویشاوندی نیز قرض‌گیری شده‌اند. تحصیل کرده‌ها بیشتر تمایل به جایگزینی واژه‌های زبان بومی خود با زبان فارسی را دارند. روی هم رفته، گفته می‌شود که گروه زبان‌های اوغوز از خانواده زبان‌های ترکی تبار به میزان بسیاری از زبان‌های فارسی و عربی قرض‌گیری داشته‌اند و ترکی آذری ایرانی در این میان بیشترین سهم را دارد.

۵. تحلیل و بررسی داده‌های پژوهش

در این جستار، برای سهولت بررسی داده‌ها، واژه‌های مورد بررسی دسته‌بندی و در قالب جدول‌های جداگانه‌ای ارائه شده‌اند. افزون بر داده‌های زبانی پژوهش، معادل‌های زبان ترکی آذری گونه تبریزی آن‌ها نیز برای مقایسه، در انتهایی‌ترین ستون جدول‌ها قرار گرفته‌اند که به اختصار «ترکی تبریزی» نام‌گذاری شده‌است. در عنوان‌های ستون‌ها، نام آبادی‌های شهرستان ارزوئیه که ترکی در آن‌ها رایج است نوشته شده و از شماره ۱ تا ۱۰ شماره‌گذاری شده‌اند. این شماره‌گذاری برای سادگی استفاده نام آن‌ها در نمودارها است. در جدول‌ها علامت «!» نشان می‌دهد که داده‌ای از آن واژه (ها) در دسترس نیست به این معنا که مصاحبه‌کننده به هر دلیل که ممکن است سهل‌انگاری او باشد، این بخش‌ها را در مصاحبه خود در نظر نگرفته‌است. همچنین نشانه «؟» در جدول‌ها نمایانگر این است که مصاحبه‌شونده معادل‌های زبان خود را به کار نبرده‌است و احتمالاً تحت تأثیر زبان مصاحبه‌کننده یعنی زبان فارسی، همان واژه‌ها را به صورت فارسی بیان کرده‌است یا اینکه به اشتباه معادل دیگری را به کار برده‌است. زیر هر یک از معادل‌ها در درون جدول، علامت (+) به معنای شباهت و علامت (-) به معنای متفاوت بودن آن واژه با معادل ترکی تبریزی است. در تحلیل داده‌ها، تفاوت‌های آوایی واژه‌ها نادیده گرفته شده‌است. همچنین، در زیر هر یک از جدول‌های اشاره شده، یک نمودار وجود دارد که درصد شباهت‌های واژگانی هر یک از مقوله‌های واژگانی مورد بررسی با ترکی آذری گونه تبریزی را نشان می‌دهد. با اینکه آزمودنی‌ها، از هر دو جنس زن و مرد هستند ولی در این پژوهش عواملی همچون، تفاوت‌های جنسیتی، سبک گفتار، طبقه اجتماعی و سایر عوامل اجتماعی در نظر گرفته نشده‌اند. در جدول، هر جا که برای یک واژه دو یا چند معادل وجود داشته باشد، معادل‌ها با نشان ممیز جدا شده‌اند. در بین آبادی‌های مورد بررسی، برخی از آبادی، دو گویشی هستند به این معنا که سخنگویان فارسی و ترکی زبان در کنار هم زندگی می‌کنند. افزون بر این، در آبادی‌های همجوار نیز زبان فارسی محلی رایج است. بنابراین، انتظار می‌رود دو زبان بر هم تأثیر گذاشته باشند.

همان گونه که در بخش مقدمه اشاره شد، مطابق اسناد تاریخی مردم ترک زبان ساکن در استان کرمان، از اقوام بچاقچی و افشار هستند. آن‌ها از جمله اقوام ترک‌زبانی هستند که از آذربایجان به کرمان کوچ کرده‌اند (Bastani Parizi, 1976, p.100; Vosughi Rahbari, 1997, p. 179)، بنابراین زبان آن‌ها نیز احتمالاً از نوع ترکی اوغوز بوده‌است و به همین جهت شباهت زیادی به ترکی آذری دارد. این موضوع، از نمونه‌های ارائه‌شده نیز پیداست. ولی در مواردی واژگان این گونه ترکی با عناصر فارسی گونه محلی آمیخته است و به سبب اشتراکات فرهنگی و موقعیت‌های جغرافیایی در ایران زبان فارسی و ترکی آذری و همچنین در کرمان به سبب نزدیکی جغرافیایی فارس‌زبان‌ها و اقوام ترک زبان قرض‌گیری‌هایی از فارسی در ترکی منطقه کرمان رخ داده‌است. افشار سیستانی (Afshar Sistani, 1987, p. 702-703) نیز بر این باور است به سبب ارتباط ایل بچاقچی با روستاییان دیگری که فارسی‌زبان هستند، اصطلاح‌ها و واژه‌های زبان فارسی در زبان آن‌ها نفوذ کرده‌است و به همین سبب، در گفت‌وگوهای روزمره خود و در هنگام کار کشاورزی و درست کردن صنایع دستی از اصطلاح‌های فارسی بهره می‌گیرند.

۵. ۱. واژه‌های مربوط به روابط خویشاوندی

در پیکره پژوهش ۱۷ واژه مربوط به روابط خویشاوندی در دسترس است. داده‌ها نمایانگر آن است که برخی از این واژه‌ها در ترکی رایج در شهرستان ارزوئیه فقط به طور مختصر و در اندازه تلفظ واکه و از جنبه آوایی با معادل‌های آن‌ها در ترکی آذری گونه تبریزی متفاوت هستند، مانند /GEZ/ در ترکی استان کرمان و /GIZ/ در ترکی آذری به معنای «دختر». ولی در سه مورد یعنی واژه‌های خواهر (در بیشتر موارد)، برادر (در تمام موارد)، پدربزرگ (در تمام موارد) واژه‌ها کاملاً متفاوت اند. برای واژه‌های «خواهر» و «برادر» گویشوران معادل‌های فارسی محلی رایج در آن منطقه (به ترتیب /dæde/ و /caca/) را به کار برده‌اند که نشان‌دهنده تأثیر فارسی محلی بر این واژه‌ها است. برای معادل «پدربزرگ» نیز گویشوران در مواردی از همان معادل فارسی محلی (/baʃu/) بهره گرفته‌اند و در مواردی هم لفظ‌های ترکی دیگر را به کار برده‌اند که مشابه معادل آن واژه در ترکی گونه تبریزی نیستند ولی از جمله واژه‌های زبان ترکی به شمار می‌آیند. واژه‌های «پدر» و «مادر» نیز شبیه یکی از صورت‌های مورد استفاده در ترکی تبریزی است. در واژه «داماد»، فقط یک گویشور از معادل فارسی استفاده کرده‌است و در بیشتر موارد گویشوران معادلی را شبیه به معادل آن واژه در ترکی آذری تبریزی به کار برده‌اند. البته مشاهده می‌شود که برخی گویشوران گاهی به اشتباه صورت‌های دیگری را نیز بیان کرده‌اند که اتفاقاً ترکی هستند و تا اندازه‌ای ارتباط معنایی با واژه «داماد» دارند ولی با معادل این واژه در ترکی آذری گونه تبریزی

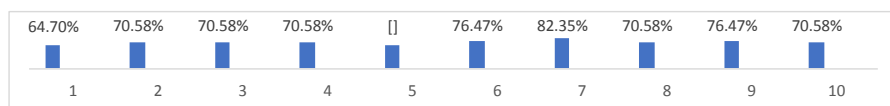
یکسان نیستند. واژه‌های «عمو»، «عمه» و «خاله» عربی هستند و برای ترکی آذری واژه‌های قرضی به شمار می‌آیند. هادی (Hadi, 2007, p.435 & 862) بیان می‌کند که واژه «دایی» از واژه‌های ترکی قدیمی است که وارد زبان فارسی شده‌است. درصد شباهت واژگانی مقوله روابط خویشاوندی در هریک از آبادی‌های ترکی زبان شهرستان ارزوئیه با ترکی آذری گونه تبریزی به صورت جداگانه در شکل (۱) نشان داده شده‌است. همان گونه که ستون‌های نمودار نشان می‌دهند میزان شباهت‌ها در این مقوله واژگانی زیاد و تقریباً نزدیک به هم است. در همه شکل‌ها، شماره‌های (۱) تا (۱۰) که در زیر ستون‌های شکل‌ها مشاهده می‌شوند، برای اختصار، به جای نام آبادی‌ها گذاشته شده‌اند.

جدول ۱: واژه‌های مربوط به روابط خویشاوندی در پیکره پژوهش و معادل آن‌ها در ترکی آذری گونه تبریزی

| واژه | پدر | مادر | برادر | خواهر | پسر (فرزند) |
|--------------------------|----------|-----------|----------------|-----------|-------------|
| دایه تیرفت ۱ | baba (+) | naene (+) | caca (-) | daede (-) | oylan (+) |
| سرخان ۲ | bawa (+) | naene (+) | caca (-) | daede (-) | oylan (+) |
| سرگز دولت آباد ۳ | baba (+) | naene (+) | caca (-) | badʒo (-) | oylan (+) |
| شاهماران ۴ | baba (+) | naene (+) | caca (-) | badʒi (-) | oylan (+) |
| علی آباد ۵ | baba (+) | naene (+) | caca (-) | daede (-) | oylan (+) |
| فتح آباد ۶ | bawa (+) | naene (+) | caca (-) | daede (-) | oylan (+) |
| محمود آباد ۷ | bawa (+) | naene (+) | caca (-) | badʒi (+) | oylan (+) |
| موتور بیست و هفت خرداد ۸ | baba (+) | naene (+) | caca (-) | daede (-) | oylan (+) |
| موتور زرگرها ۹ | bowa (+) | naene (+) | caca (-) | daede (-) | oylan (+) |
| موتور فرخ‌مزای ۱۰ | baba (+) | nene (+) | caca (-) | daede (-) | oylan (+) |
| ترکی تبریزی | ata/baba | ana/naene | yaerd Σ | badʒi | oylan |

| داماد (شوهر دختر) | شوهر | زن (همسر) | خاله | عمه | دایی | عمو | بچه (فرزند) | دختر (فرزند) | واژه |
|-------------------|----------|-----------|----------|----------|-----------|---------|-------------|--------------|--------------------------|
| ær (-) | ær (+) | arvad (+) | xale (+) | æmmæ (+) | daji (+) | æmæ (+) | əjɑx (+) | cez (+) | دامنه تیرفت ۱ |
| damad (-) | ær (+) | arvat (+) | xale (+) | æmme (+) | daji (+) | æmæ (+) | əjɑx (+) | cez (+) | سرخان ۲ |
| caræcæn (+) | cjʃə (-) | arvat (+) | xale (+) | æmme (+) | dajio (+) | æmæ (+) | uʃɑx (+) | cez (+) | سرگر دولت آباد ۳ |
| damad (-) | ær (+) | arvad (+) | xale (+) | æmmæ (+) | daji (+) | æmæ (+) | əjɑx (+) | cez (+) | شاهماران ۴ |
| ær (-) | ær (+) | arvad (+) | xale (+) | æmmæ (+) | daji (+) | æmæ (+) | əjɑx (+) | cez (+) | علی آباد ۵ |
| caræcæn (+) | ær (+) | arvad (+) | xale (+) | æmmæ (+) | daji (+) | æmæ (+) | ʃjɑx (+) | cez (+) | فتح آباد ۶ |
| caræcæn (+) | ær (+) | arvat (+) | xale (+) | æmmæ (+) | daji (+) | æmæ (+) | oʃɑx (+) | cez (+) | محمود آباد ۷ |
| ciræcæn (+) | ær (+) | arvad (+) | xale (+) | æmmæ (+) | daji (+) | æmæ (+) | əjɑx (+) | cez (+) | موتور بیست و هفت خرداد ۸ |
| ciræcæn (+) | ær (+) | arvad (+) | xale (+) | æmmæ (+) | daji (+) | æmu (+) | ʃjɑx (+) | cez (+) | موتور زرگرها ۹ |
| cjʃə (-) | ær (+) | ærvad (+) | xale (+) | æmmæ (+) | daji (+) | æmu (+) | ʃjɑx (+) | cez (+) | موتور فرخنده های ۱۰ |
| ciræcæn | ær | arvad | xala | æmmæ | daji | æmæ | uʃɑx | giz | ترکی تبریزی |

| واژه | عروس | پدربزرگ (پدر پدر) | پدربزرگ (پدر مادر) |
|--------------------------|--------------------|------------------------|------------------------|
| دایمه‌تیرفت ۱ | nɪʃanliu (-) | codɣæ (-) | cærræ (-) |
| سرخان ۲ | ʃælin (+) | bɑʃu (-) | bɑʃu (-) |
| سرگر دولت‌آباد ۳ | ʃælin (+) | çæjɪn bɑbɑ (?) (-) | çæjɪn næne (?) (-) |
| شاهماران ۴ | ʃælin (+) | codɣæ (-) | codɣæ (-) |
| علی‌آباد ۵ | nɪʃanliu (-) | codɣæ (-) | cærræ (-) |
| فتح‌آباد ۶ | ʃælin (+) | bowɑ-mɪn bowɑsɪ (-) | nænæ-mɪn bowɑsɪ (-) |
| محمودآباد ۷ | ʃælin (+) | bɑʃu (-) | bɑʃu (-) |
| موتور بیست و هفت خرداد ۸ | arus (-) | bɑʃu (-) | bɑʃu (-) |
| موتور زرگرها ۹ | jenɟə ʃælin (+) | codɣæ (-) | codɣæ (-) |
| موتور فرخنده‌های ۱۰ | ʃælin (+) | bɑʃu (-) | bɑʃu (-) |
| ترکی تبریزی | ʃælin | bojuc bɑbɑ | bojuc bɑbɑ |



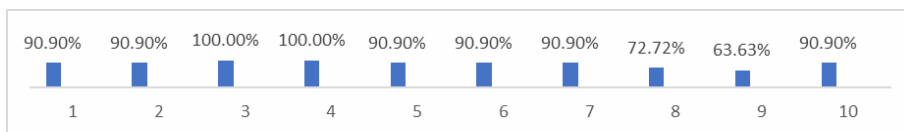
شکل ۱: درصد شباهت واژه‌های مربوط به روابط خویشاوندی در هر یک از آبادی‌ها با ترکی آذری گونه تبریزی

۲.۵. واژه‌های مربوط به طبیعت

جدول ۲: واژه‌های مربوط به طبیعت در بیکره پژوهش و معادل آن‌ها در ترکی آذری

گونه تبریزی

| واژه | خورشید | ماه | ستاره | شب | روز | باد | آتش | خاک | باران | برف | سنگ |
|--------------------------|------------|---------|------------|------------|-------------|---------|--------|------------|-----------|----------|---------|
| دامنه تیرفت ۱ | jin (+) | aj (+) | eldez (+) | jedgae (+) | jin (-) | jel (+) | ot (+) | torpax (+) | jacof (+) | yar (+) | daɟ (+) |
| سرخان ۲ | jin (+) | aj (+) | eldez (+) | jedgae (+) | jin (-) | jel (+) | ot (+) | torpax (+) | jacof (+) | yar (+) | daɟ (+) |
| سرگز دولت آباد ۳ | jin (+) | aj (+) | eldez (+) | jedgae (+) | jinuzin (+) | jel (+) | ot (+) | torpax (+) | jacof (+) | yar (+) | daɟ (+) |
| شاهماران ۴ | jin (+) | aj (+) | eldez (+) | jedgae (+) | jinuz (+) | jel (+) | ot (+) | torpax (+) | jacof (+) | yar (+) | daɟ (+) |
| علی آباد ۵ | jin (+) | aj (+) | eldez (+) | jedgae (+) | jin (-) | jel (+) | ot (+) | torpax (+) | jacof (+) | yar (+) | daɟ (+) |
| فتح آباد ۶ | jin (+) | aj (+) | eldez (+) | jedgae (+) | jin (-) | jel (+) | ot (+) | torpax (+) | jacof (+) | yar (+) | daɟ (+) |
| محمود آباد ۷ | jin (+) | aj (+) | eldez (+) | jedgae (+) | jin (-) | jel (+) | ot (+) | torpax (+) | jacof (+) | yar (+) | daɟ (+) |
| موتور بیست و هفت خرداد ۸ | jin (+) | aj (+) | eldez (+) | jedgae (+) | jin (-) | jel (+) | ot (+) | torpax (+) | baran (?) | bærf (?) | daɟ (+) |
| موتور زرگرها ۹ | xorfid (?) | mah (?) | setare (?) | ayɟam (?) | jinazan (+) | jel (+) | ot (+) | torpax (+) | jacof (+) | yar (+) | daɟ (+) |
| موتور فرخنده‌های ۱۰ | jin (+) | aj (+) | eldez (+) | jedgae (+) | jin (-) | jel (+) | ot (+) | torpax (+) | jacof (+) | yar (+) | daɟ (+) |
| ترکی تبریزی | jun | aj | Ulduz | jedgae | junuz | Jel | Ot | torpax | jacof | yar | daɟ |



شکل ۲: درصد شباهت واژه‌های مربوط به طبیعت در هر یک از آبادی‌ها با ترکی آذری گونه تبریزی

۳.۵. واژه‌های مربوط به گیاهان

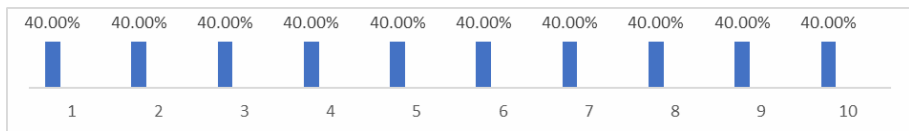
واژه‌های مربوط به گیاهان در پرسشنامه اطلس زبانی ایران، ۵ واژه است. در مقایسه با معادل‌ها ترکی آذری گونه تبریزی، در همه موارد بدون استثنا از واژه /deræxt/ به عنوان معادل واژه «درخت» استفاده شده که تحت تأثیر فارسی محلی بوده است. زیرا در ترکی آذری تبریزی برای این واژه معادل /avradz/ به کار می‌رود. این موضوع، در مورد واژه «برگ» نیز مصداق دارد. زیرا گویشوران همگی برای این واژه از معادل فارسی محلی رایج در آن منطقه بهره گرفته‌اند. در حالی که در ترکی آذری تبریزی معادل /jQɾɾax/ برای این واژه به کار می‌رود. نکته جالب توجه در مورد کاربرد نشانه جمع است. برخی از گویشوران نشانه جمع رایج در ترکی آذری تبریزی (/ -lAr/)^۱ را برای واژه فارسی «درخت» استفاده کرده‌اند، ولی برخی از آن‌ها نشانه‌های جمع فارسی (/ -a/ و / -ha/) را به کار برده‌اند. در ترکی رایج در آبادی‌های مورد بررسی، برای واژه «چوب» از معادلی مشابه معادل ترکی آذری گونه تبریزی استفاده می‌شود. گویشوران برای واژه «گل» نیز که در ترکی آذری تبریزی به صورت /jul/ تلفظ می‌شود، صورت‌های /jɔl/ و /jil/ را به کار برده‌اند. البته واژه «گل» فارسی است (Hasandoust, 2014, p. 2426) و بنابراین برای ترکی یک واژه قرضی به شمار می‌آید. در شکل (۳)، ستون‌های مورد نظر نشان می‌دهند که شباهت‌ها به یک میزان هستند.

^۱ در مطالعات زبان ترکی برای نشان دادن هماهنگی واکه‌ای، واکه‌هایی که تحت تأثیر هماهنگی واکه‌ای تغییر می‌کنند با حروف بزرگ نشان داده می‌شوند.

جدول ۳: واژه‌های مربوط به گیاهان در پیکره پژوهش و معادل آن‌ها در ترکی آذری

گونه تبریزی

| | | | | | |
|--------------------------|--------------|-------------|------------|---------------|-------------------|
| واژه | چوب | بزرگ | گل | درخت | درخت‌ها |
| دامنه تیرفت ۱ | ayadɔ (+) | bæɽɟ (-) | jol (+) | deræxt (-) | deræxt-ha (-) |
| سرخان ۲ | ayadɔ (+) | bærc (-) | jil (+) | deræxt (-) | deræxt-lær (-) |
| سرگز دولت‌آباد ۳ | ayadɔ (+) | bærc (-) | jol (+) | deræxt (-) | deræxt-lær (-) |
| شاهماران ۴ | ayadɔ (+) | bæɽɟ (-) | jil (+) | deræxt (-) | deræxt-lær (-) |
| علی‌آباد ۵ | ayadɔ (+) | bæɽɟ (-) | jol (+) | deræxt (-) | deræxt-ha (-) |
| فتح‌آباد ۶ | ayadɔ (+) | bæɽɟ (-) | jol (+) | deræxt (-) | deræxt-a (-) |
| محمودآباد ۷ | ayadɔ (+) | bæɽɟ (-) | jil (+) | deræxt (-) | (!) |
| موتور بیست و هفت خرداد ۸ | ayadɔ (+) | bæɽɟ (-) | jol (+) | deræxt (-) | deræxt-lær (-) |
| موتور زرگرها ۹ | ayadɔ (+) | bæɽɟ (-) | jol (+) | deræxt (-) | deræxt-lær (-) |
| موتور فرخنده‌های ۱۰ | ayadɔ (+) | bæɽɟ (-) | jol (+) | deræxt (-) | deræxt-ha (-) |
| ترکی تبریزی | akadɔ | jQɽraΦ | jul | akadɔ | akadɔ-lær |



شکل ۳: درصد شباهت واژه‌های مربوط به گیاهان در هر یک از آبادی‌ها با ترکی آذری

گونه تبریزی

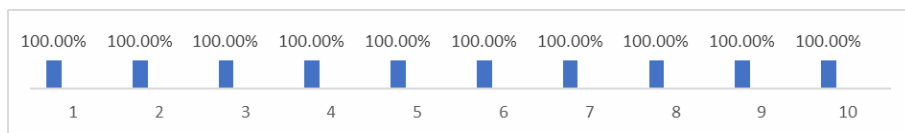
۴.۵. واژه‌های مربوط به اعضای بدن

در پرسشنامه مربوط به اطلس زبانی ایران برای اعضای بدن ۴ واژه وجود دارد. داده‌های پیکره نمایانگر آن است که در مورد واژه‌های مربوط به اعضای بدن، فقط تفاوت‌های آوایی با

معادل‌های این واژه‌ها در ترکی آذری تبریزی مشاهده می‌شود که در این پژوهش این تفاوت‌های آوایی نادیده انگاشته می‌شوند. بنابراین، در این دسته از واژه‌ها همان گونه که شکل (۴)، نشان می‌دهد، میزان شباهت ۱۰۰ درصد است.

جدول ۴: واژه‌های مربوط به اعضای بدن در پیکره پژوهش و معادل آن‌ها در ترکی آذری گونه تبریزی

| واژه | دائمه تیرفت ۱ | سرخان ۲ | سرگر دولت آباد ۳ | شاهساران ۴ | علی آباد ۵ | فتح آباد ۶ | محمود آباد ۷ | موتور بیست و هفت خرداد ۸ | موتور زرگرها ۹ | موتور قرخمزهای ۱۰ | ترکی تبریزی |
|------|---------------|---------|------------------|------------|------------|------------|--------------|--------------------------|----------------|-------------------|-------------|
| چشم | jez (+) | jez (+) | jez (+) | jez (+) | jez (+) | jez (+) | jez (+) | jez (+) | jez (+) | jez (+) | ʃɒz |
| دهان | acz (+) | acz (+) | acz (+) | acz (+) | acz (+) | acz (+) | acz (+) | acz (+) | acz (+) | acz (+) | ɒɪz |
| زبان | del (+) | del (+) | del (+) | dal (+) | del (+) | del (+) | dal (+) | del (+) | del (+) | del (+) | dil |
| چون | gan (+) | yan (+) | yan (+) | gan (+) | gan (+) | gan (+) | gan (+) | gan (+) | gan (+) | gan (+) | jan |



شکل ۴: درصد شباهت واژه‌های مربوط به اعضای بدن در هر یک از آبادی‌ها با ترکی آذری گونه تبریزی

۵.۵. واژه‌های مربوط به حیوانات

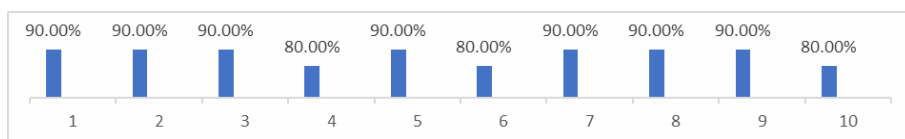
تعداد ۱۰ واژه مربوط به حیوانات در پرسشنامه اطلس زبانی ایران وجود دارد. همان گونه که در جدول (۵)، نشان داده شده است، بیشتر واژه‌های ترکی رایج در آبادی‌های شهرستان ارزوئیه در این گروه، با معادل‌های آن‌ها در ترکی آذری گونه تبریزی، فقط تفاوت‌های آوایی آن‌ها در اندازه واکه دارند. برای واژه «کبوتر» گویشوران از معادل فارسی محلی این واژه استفاده کرده‌اند. واژه‌های «خروس» (Hadi, 2007, p. 416; Hasandoust, 2014, p. 1133) و «قاطر»

(Hasandoust, 2014, p. 2050) هم برای زبان ترکی آذری واژه‌های قرضی به شمار می‌آیند و در ترکی آذری نیز از معادل‌های مشابه با فارسی بهره گرفته می‌شود. ستون‌های شکل (۵)، میزان شباهت واژه‌های مربوط به حیوانات را در هر یک از آبادی‌های ترکی زبان شهرستان ارزوئیه با معادل آن‌ها در ترکی آذری گونه تبریزی نشان می‌دهد. مشاهده می‌شود که این میزان شباهت به غیر از سه آبادی «شاهماران»، «فتح‌آباد» و «موتور قرخمزه‌ای» یکسان است. البته این سه آبادی نیز فقط با ۱۰ درصد اختلاف، میزان شباهت پائین‌تری دارند که تفاوت چشمگیر نیست.

جدول ۵: واژه‌های مربوط به حیوانات در پیکره پژوهش و معادل آن‌ها در ترکی آذری گونه تبریزی

| واژه | گاو | بز | بزه | میش | گرگ |
|--------------------------|-------------|-----------|----------|-----------|--------------------|
| دامنه تبرفت ۱ | seyer (+) | jaɣfə (+) | cozo (+) | cojon (+) | dəʒanavar (+) |
| سرخان ۲ | seyer (+) | jaɣfə (+) | cozo (+) | cojon (+) | dəʒanavar (+) |
| سرگر دولت‌آباد ۳ | seyer (+) | jaɣfə (+) | cozo (+) | cojon (+) | dəʒanavar (+) |
| شاهماران ۴ | seyar (+) | jaɣfə (+) | cozo (+) | cojon (+) | dəʒanavar (+) |
| علی‌آباد ۵ | seyer (+) | jaɣfə (+) | cozo (+) | cojon (+) | dəʒanavar (+) |
| فتح‌آباد ۶ | seyer (+) | jaɣfə (+) | cozo (+) | cojon (+) | dəʒanavar (+) |
| محمودآباد ۷ | siyar (+) | jaɣfə (+) | cozo (+) | cojin (+) | dəʒanavar (+) |
| موتور بیست و هفت خرداد ۸ | seyer (+) | jaɣfə (+) | cozo (+) | cojon (+) | dəʒanavar (+) |
| موتور زرگرها ۹ | seyer (+) | jaɣfə (+) | cozo (+) | cojon (+) | dəʒanavar (+) |
| موتور قرخمزه‌ای ۱۰ | seyer (+) | jaɣfə (+) | cozo (+) | cojon (+) | dəʒanavar (+) |
| ترکی تبریزی | inæg/ siyar | jaɣfə | cozo | cojon | yurd/ dəʒanavar |

| | | | | | |
|--------------------------|-----------|------------|-----------|-----------|-------------|
| واژه | قاطر | سگ | مغ | خروس | کیوتر |
| دانه تیرفت ۱ | cafer (+) | cepaec (+) | towux (+) | xoros (+) | cebotar (-) |
| سرخان ۲ | cafer (+) | cepaec (+) | towux (+) | xoros (+) | cebotar (-) |
| سرگز دولت آباد ۳ | cafer (+) | cepaec (+) | towux (+) | xoros (+) | cebotar (-) |
| شاهماران ۴ | æfæc (-) | cepaec (+) | towux (+) | xoros (+) | cebotar (-) |
| علی آباد ۵ | cafer (+) | cepaec (+) | towux (+) | xoros (+) | cebotar (-) |
| فتح آباد ۶ | æsb (?) | cepaec (+) | towux (+) | xoros (+) | cebotar (-) |
| محمودآباد ۷ | cafer (+) | cepaec (+) | towux (+) | xoros (+) | caëfter (-) |
| موتور بیست و هفت خرداد ۸ | cafer (+) | cepaec (+) | towux (+) | xoros (+) | caëfter (-) |
| موتور زرگرها ۹ | cafer (+) | cepaec (+) | towux (+) | xoros (+) | cebotar (-) |
| موتور قرخمزهای ۱۰ | at (?) | cepaec (+) | towux (+) | xoros (+) | cebotar (-) |
| ترکی تبریزی | gat←r | it/cypaec | Towux | xoroz | fjwærfjn |



شکل ۵: درصد شباهت واژه‌های مربوط به حیوانات در هر یک از آبادی‌ها با ترکی آذری گونه آذری

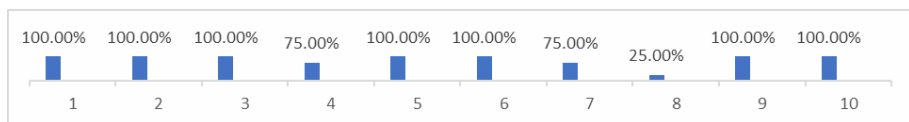
۶.۵. واژه‌های مربوط به خوراکی‌ها

در بین داده‌های مربوط به خوراکی‌ها که تعدادشان چهار واژه است، واژه‌های «پنیر» (Hasandoust, 2014, p. 735) و «بادام» (Hasandoust, 2014, p. 354) فارسی هستند و برای ترکی آذری واژه‌های قرضی به شمار می‌آیند. میزان شباهت واژگانی در مقوله خوراکی‌ها

در هر یک از آبادی‌های ترکی زبان شهرستان ارزوئیه با معادل‌های آن‌ها در ترکی آذری تبریزی به تفکیک در شکل (۶)، نشان داده شده‌است. این میزان شباهت در هفت آبادی از ده آبادی ۱۰۰ درصد و در دو آبادی ۷۵ درصد است. دلیل اینکه در یک آبادی یعنی آبادی «موتور بیست و هفت خرداد» میزان شباهت با اختلاف زیاد مشاهده می‌شود، سهل‌انگاری مصاحبه‌کننده در شیوه گردآوری است.

جدول ۶: واژه‌های مربوط به خوراکی‌ها در پیکره پژوهش و معادل آن‌ها در ترکی آذری

| واژه | محو | بادام | نان | پنیر |
|--------------------------|----------|-----------|------------|-------------|
| دانه تیرفت ۱ | ærpe (+) | badam (+) | fjærac (+) | penir (+) |
| سرخان ۲ | ærpa (+) | badam (+) | fjærac (+) | penir (+) |
| سرگر دولت آباد ۳ | arpa (+) | badam (+) | fjærac (+) | pænddir (+) |
| شاهساران ۴ | djo (?) | badam (+) | fjærac (+) | penir (+) |
| علی آباد ۵ | ærpe (+) | badam (+) | fjærac (+) | penir (+) |
| فتح آباد ۶ | arpe (+) | badam (+) | fjærac (+) | pænddir (+) |
| محمودآباد ۷ | ærpe (+) | badam (+) | nan (?) | penir (+) |
| موتور بیست و هفت خرداد ۸ | djow (?) | badam (+) | (!) | (!) |
| موتور زرگرها ۹ | arpe (+) | badam (+) | fjærac (+) | penir (+) |
| موتور قرخمیزهای ۱۰ | ærpæ (+) | badam (+) | fjærac (+) | penir (+) |
| ترکی تبریزی | arpa | badam | fjærac | pænir |



شکل ۶: درصد شباهت واژه‌های مربوط به خوراکی‌ها در هر یک از آبادی‌ها با ترکی آذری

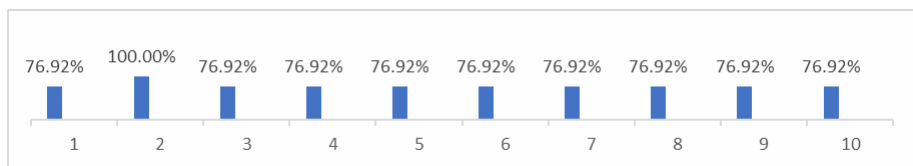
۵.۲. ضمیرهای فاعلی

در جدول (۷)، ضمیرهای فاعلی پیکره پژوهش و معادل‌های ترکی آذری تبریزی آن‌ها نشان داده شده‌اند. از مقایسه این داده‌ها چنین برداشت می‌شود که در برخی موارد فقط تفاوت‌های آوایی مشاهده می‌شود. در مواردی، نیز برخی گویشوران از معادل‌های فارسی بهره گرفته‌اند که احتمال می‌رود تحت تأثیر گفتار مصاحبه‌کننده رخ داده باشد. شکل (۷)، درصد شباهت واژگانی ضمیرهای فاعلی در هر یک از آبادی‌های ترکی زبان شهرستان ارومیه را با ترکی آذری تبریزی به نمایش گذاشته‌است. شش آبادی از ده آبادی شباهت ۱۰۰ درصدی دارند و یک آبادی با اختلاف کم، در کاربرد ضمیرهای فاعلی تفاوت نشان می‌دهد. در سه آبادی «سرخان»، «محمودآباد» و «موتور قرخمه‌ای» سهل‌انگاری مصاحبه‌کننده دلیل اختلاف زیاد است.

جدول ۷: ضمیر فاعلی در پیکره پژوهش و معادل آن‌ها در ترکی آذری گونه تبریزی

| واژه | من | تو | او | ما | شما | آن‌ها |
|--------------------------|---------|---------|-------|------------|-----------|------------|
| دانه‌ترفت ۱ | mæn (+) | sæn (+) | o (+) | bez (+) | sez (+) | o-nnar (+) |
| سرخان ۲ | mæn (+) | sæn (+) | o (+) | monnar (?) | onnar (?) | on-ha (?) |
| سرگرد دولت‌آباد ۳ | mæn (+) | sæn (+) | o (+) | bez (+) | sez (+) | o-nnar (+) |
| شاهماران ۴ | mæn (+) | sæn (+) | o (+) | bez (+) | siz (+) | o-nnar (+) |
| علی‌آباد ۵ | mæn (+) | sæn (+) | o (+) | bez (+) | sez (+) | o-nnar (+) |
| فتح‌آباد ۶ | mæn (+) | sæn (+) | o (+) | bez (+) | sez (+) | on-ha (?) |
| محمودآباد ۷ | mæn (+) | sæn (+) | o (+) | ma (?) | joma (?) | on-ha (?) |
| موتور بیست و هفت خرداد ۸ | mæn (+) | sæn (+) | o (+) | bez (+) | sez (+) | o-nnar (+) |
| موتور زرگرها ۹ | mæn (+) | sæn (+) | o (+) | bez (+) | sez (+) | o-nnar (+) |
| موتور قرخمه‌ای ۱۰ | mæn (+) | sæn (+) | o (+) | ma (?) | sæn (?) | o (?) |
| ترکی تبریزی | Mæn | Sæn | O | Biz | Siz | o-llar |

| واژه | پنج | شش | هفت | هشت | نُه | ده | هزار | صد | بیست |
|--------------------------|------------|-------------|--------------|---------------|---------------|-----------|---------------|------------|---------------|
| دائمه‌تیرفت ۱ | bej (+) | alto (+) | jeddi (+) | səjɾɯz (+) | dojɾoz (+) | on (+) | həzər (-) | səd (-) | bist (-) |
| سرخان ۲ | bej (+) | alto (+) | jeddi (+) | səjɾɯz (+) | dojɾoz (+) | on (+) | mine (+) | iz (+) | ijirne (+) |
| سرگز دولت‌آباد ۳ | bej (+) | alto (+) | jeddi (+) | səjɾɯz (+) | dojɾoz (+) | on (+) | həzər (-) | səd (-) | bist (-) |
| شاهماران ۴ | bej (+) | alto (+) | jeddi (+) | səjɾɯz (+) | dojɾoz (+) | on (+) | həzər (-) | səd (-) | bist (-) |
| علی‌آباد ۵ | bej (+) | alto (+) | jeddi (+) | səjɾɯz (+) | dojɾoz (+) | on (+) | həzər (-) | səd (-) | bist (-) |
| فتح‌آباد ۶ | bej (+) | alto (+) | jeddi (+) | səjɾɯz (+) | dojɾoz (+) | on (+) | ijirne (?) | (!) | bist (-) |
| محمودآباد ۷ | bej (+) | alto (+) | jeddi (+) | səjɾɯz (+) | dojɾoz (+) | on (+) | (!) | (!) | (!) |
| موتور بیست و هفت خرداد ۸ | bej (+) | alto (+) | jeddi (+) | səjɾɯz (+) | dojɾoz (+) | on (+) | həzər (-) | səd (-) | dojɾoz (?) |
| موتور زرگرها ۹ | bej (+) | alto (+) | jeddi (+) | səjɾɯz (+) | dojɾoz (+) | on (+) | həzər (-) | səd (-) | ælla (?) |
| موتور قرحمزهای ۱۰ | bej (+) | alto (+) | jeddi (+) | səjɾɯz (+) | dojɾoz (+) | on (+) | həzər (-) | səd (-) | bist (-) |
| ترکی تبریزی | bej | altu | jeddi | səjɾɯz | dojɾoz | On | Min | Juz | jirni |



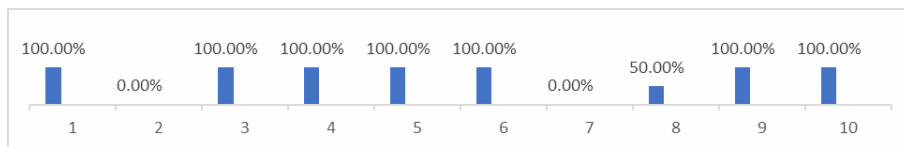
شکل ۸: درصد شباهت اعداد در هر یک از آبادی‌ها با ترکی آذری تبریزی

۹.۵. صفتهای اشاره

معادل‌های ترکی رایج در آبادی‌های ترکی‌زبان شهرستان ارزوئیه و ترکی آذری گونه تبریزی، برای صفتهای اشاره دور و نزدیک در جدول (۹)، نشان داده شده‌اند. این صفتهای در هر دو گونه ترکی مورد بررسی، مشابه هستند و فقط در یک مورد تفاوت آوایی وجود دارد. بهره‌گیری از معادل فارسی در یک مورد نیز احتمالاً متأثر از گفتار مصاحبه‌کننده است. شکل (۹)، درصد شباهت کاربرد صفتهای اشاره در هر یک از آبادی‌های ترکی‌زبان مورد بررسی، واقع در شهرستان ارزوئیه را با معادل آن‌ها در ترکی آذری گونه تبریزی به صورت جداگانه ارائه می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود هفت آبادی شباهت ۱۰۰ درصدی دارند. ولی به سبب سهل‌انگاری مصاحبه‌کننده از دو آبادی «سرخان» و «محمودآباد» هیچ داده‌ای از صفتهای اشاره در دست نیست و در مورد آبادی «موتور بیست و هفت خرداد» نیز اطلاعات ناقص است. این موضوع، در برآورد آمار شباهت‌ها تأثیر می‌گذارد.

جدول ۹: صفتهای اشاره در پیکره پژوهش و معادل آن‌ها در ترکی آذری گونه تبریزی

| واژه | دامنه تپروت ۱ | سرخان ۲ | سرگر دولت آباد ۳ | شاهماران ۴ | علی آباد ۵ | فتح آباد ۶ | محمودآباد ۷ | موتور بیست و هفت خرداد ۸ | موتور زرگرها ۹ | موتور قرخیزهای ۱۰ | ترکی تبریزی |
|------|---------------|---------|------------------|------------|------------|------------|-------------|--------------------------|----------------|-------------------|-------------|
| این | bū (+) | (!) | bū (+) | bū (+) | bū (+) | bū (+) | (!) | in (?) | bū (+) | bū (+) | bū |
| آن | o (+) | (!) | o (+) | o (+) | o (+) | o (+) | (!) | o (+) | o (+) | wo (+) | O |



شکل ۹: درصد شباهت صفتهای اشاره در هر یک از آبادی‌ها با ترکی آذری گونه تبریزی

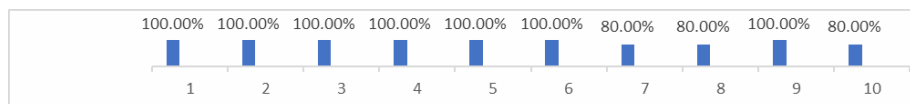
۱۰.۵. قیدهای مکان

در بخش واژگان پیکره پژوهش چهار قید مکان وجود دارد. معادل‌های این قیدهای مکان در ترکی رایج در آبادی‌های ترکی‌زبان واقع در شهرستان ارزوئیه با معادل‌های آن‌ها در ترکی آذری گونه تبریزی فقط از نظر آوایی با هم تفاوت دارند. شکل (۱۰)، درصد شباهت‌های قیدهای مکان

در هر یک از آبادی‌های ترکی زبان مورد بررسی را با ترکی آذری گونه تبریزی به صورت جداگانه نشان می‌دهد. میزان ۱۰۰ درصدی شباهت در این آبادی‌ها به غیر از سه آبادی آن هم با اختلاف کم مشاهده می‌شود.

جدول ۱۰: قیدهای مکان در پیکره پژوهش و معادل آن‌ها در ترکی آذری گونه تبریزی

| واژه | دائمه تیرفت ۱ | سرخان ۲ | سرگز دولت آباد ۳ | شاهماران ۴ | علی آباد ۵ | فتح آباد ۶ | محمودآباد ۷ | موتور بیست و هفت خرداد ۸ | موتور زرگرها ۹ | موتور فرخزاده‌ای ۱۰ | ترکی تبریزی |
|--------|---------------|-----------|------------------|------------|------------|------------|-------------|--------------------------|----------------|---------------------|--------------------|
| این‌جا | borae (+) | borae (+) | borae (+) | bora (+) | borae (+) | borae (+) | (l) | borae (+) | bore (+) | borae (+) | boru |
| آن‌جا | orae (+) | orae (+) | orae (+) | ora (+) | orae (+) | ore (+) | (l) | ore (+) | ore (+) | orae (+) | ora |
| دور | jerax (+) | jerax (+) | aralı (+) | jerax (+) | jerax (+) | jerax (+) | jerax (+) | (l) | jerax (+) | joxon (?) | uzuaq/ jerax/aralı |
| نزدیک | joʔox (+) | joʔox (+) | joʔox (+) | jaexan (+) | joʔox (+) | joʔox (+) | jaxan (+) | (l) | joxon (+) | mezdic (?) | Joxun |



شکل ۱۰: درصد شباهت قیدهای مکان در هر یک از آبادی‌ها با ترکی آذری گونه تبریزی

۱۱.۵. سایر واژگان

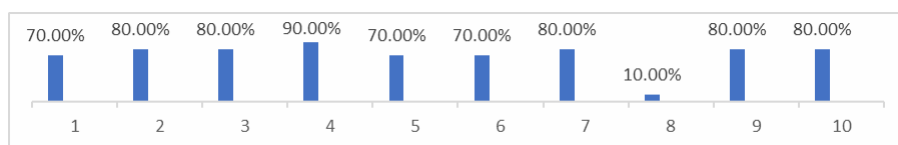
بعضی از واژه‌های بخش واژگان پرسشنامه اطلس زبانی ایران در دسته‌بندی‌های بالا قرار نمی‌گیرند. به همین سبب، این واژه‌ها را در یک طبقه جداگانه، به نام «سایر واژگان» قرار داده‌ایم. در جدول (۱۱)، این گروه از واژه‌ها و معادل‌های ترکی آذری گونه تبریزی آن‌ها درج شده‌اند. در بیشتر موارد، در بین داده‌ها فقط تفاوت‌های آوایی در مقایسه با معادل‌های ترکی آذری گونه تبریزی وجود دارد ولی در مورد واژه‌های «آبستن (انسان)» و «یوغ» تفاوت واژگانی مشاهده

می‌شود. برای واژه «آبستن (انسان)» (به معنای انسانی که آبستن است) در ترکی آذری گونه تبری، معادل‌های /bojlu/ و /icci janlı/ به کار برده می‌شوند (Hadi, 2007, p. 260, 139; Behzadi, 2005, p. 8). معادل‌هایی که گویشوران ترکی زبان آبادی‌های مورد بررسی برای واژه «یوغ» به کار برده‌اند برابر با معادل این واژه در فارسی محلی رایج در آن منطقه است. بنابراین، می‌توان گفت که تحت تأثیر فارسی محلی به کار گرفته شده‌است. واژه «اجاق» یک واژه ترکی است که به زبان فارسی و حتی زبان‌های دیگر راه یافته‌است (Hasandoust, 2014, p. 157, 158). هادی (Hadi, 2007, p. 858) در فرهنگ خود این واژه را در فهرست واژه‌های ترکی که به فارسی وارد شده‌اند قرار داده و احمدی گیوی (Ahmadi Givi, 2004, p. 466) آن را در فهرست واژگان مشترک در دو زبان گذاشته‌است. همچنین واژه «نماز» با تغییرات آوایی، در ترکی آذری به کار می‌رود و از جمله واژه‌های قرضی به شمار می‌آیند (Hasandoust, 2014, p. 2776; Behzadi, 2005, p. 1449). واژه «شیرین» در ترکی نیز با همین لفظ به کار می‌رود. احمدی گیوی (Ahmadi Givi, 2004, p. 496) این واژه را در فهرست واژه‌های مشترک بین فارسی و ترکی قرار داده و بهزادی (Behzadi, 2005, p. 985) نیز در فرهنگ خود همین معادل را برای این واژه به کار گرفته‌است. در مورد ریشه این واژه پژوهش‌های بیشتری لازم است. درصد شباهت واژه‌هایی که در گروه «سایر واژگان» قرار گرفته‌اند در هر یک از آبادی‌های ترکی زبان شهرستان ارزوئیه با معادل آن‌ها در ترکی آذری در شکل (۱۱) نمایش داده شده‌است. میزان شباهت‌ها با اختلاف کم در یک سطح است و فقط در یک آبادی یعنی آبادی «موتور بیست و هفت خرداد» به سبب سهل‌انگاری مصاحبه‌کننده و در دسترس نبودن داده‌های زبانی اختلاف بسیاری مشاهده می‌شود.

جدول ۱: سایر واژگان در پیکره پژوهش و معادل آن‌ها در ترکی آذری گونه تبری

| واژه | دائمه تیرفت ۱ | سرخان ۲ | سرگر دولت آباد ۳ | شاهساران ۴ | علی آباد ۵ | فتح آباد ۶ | محمود آباد ۷ | موتور بیست و هفت خرداد ۸ | موتور زرگرها ۹ | موتور قرخمزهای ۱۰ | ترکی تبری |
|------|---------------|-------------|------------------|-------------|-------------|------------|--------------|--------------------------|----------------|-------------------|-----------|
| یوغ | dʒoɣ (-) | dʒoɣ (-) | dʒoɣ (-) | dʒoɣ (-) | dʒoɣ (-) | juɣ (-) | dʒoɣ (-) | juɣ (?) | dʒoɣ (-) | dʒoɣ (-) | bjɔndurux |
| خانه | æv (+) | æv (+) | æv (+) | æv (+) | æv (+) | æv (+) | æv (+) | (!) | æv (+) | æv (+) | ev |

| واژه | اجاق | هیتم | نماز | نر | ماده | شیرین | آبستن (انسان) | آبستن (حیوان) |
|--------------------------|-----------|----------|-----------|-----------|----------|-----------|-------------------|---------------|
| دامنه تیرفت ۱ | odɣag (+) | odon (+) | næmaz (+) | ercæc (+) | dijə (+) | (!) | boxaz (-) | boxaz (+) |
| سرخان ۲ | odɣag (+) | odon (+) | næmaz (+) | ercæc (+) | dijə (+) | firin (+) | cojnali (-) | boxaz (+) |
| سرگر دولت آباد ۳ | odɣag (+) | odon (+) | næmaz (+) | ercæc (+) | dijə (+) | firin (+) | cojnali (-) | boxaz (+) |
| شاهماران ۴ | odɣag (+) | odon (+) | næmaz (+) | ercæc (+) | dijə (+) | firin (+) | ici dɣammə (+) | boxaz (+) |
| علی آباد ۵ | odɣag (+) | odon (+) | næmaz (+) | ercæc (+) | dijə (+) | (!) | boxaz (-) | boxaz (+) |
| فتح آباد ۶ | odɣag (+) | odon (+) | næmaz (+) | ercæc (+) | dijə (+) | firin (+) | cojanolo (-) | cojanolo (-) |
| محمودآباد ۷ | odɣag (+) | odon (+) | næmaz (+) | ercæc (+) | dijə (+) | firin (+) | oɣax var (?) | boxaz (+) |
| موتور بیست و هفت خرداد ۸ | (!) | (!) | (!) | (!) | (!) | (!) | boxaz (-) | boxaz (+) |
| موتور زرگرها ۹ | odɣag (+) | odon (+) | næmaz (+) | ercæc (+) | dijə (+) | firin (+) | boxaz (-) | boxaz (+) |
| موتور قرخنده‌ای ۱۰ | odɣag (+) | odon (+) | næmaz (+) | ercæc (+) | dijə (+) | firin (+) | boxaz (-) | boxaz (+) |
| ترکی تبریزی | odɣag | odon | namaz | ercæc | dijə | firin | bojlo/ icci janlı | boxaz |



شکل ۱۱: درصد شباهت سایر واژگان در هر یک از آبادی‌ها با ترکی آذری گونه تبریزی

۶. بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش، مقوله‌های واژگانی ۱۱ گانه در دو گونه ترکی آذری تبریزی و ترکی رایج در آبادی‌های ترکی‌زبان شهرستان ارزوئیه استان کرمان مقایسه شدند. هدف این بود که میزان شباهت‌های آن‌ها سنجیده شود و تأثیر احتمالی زبان فارسی محلی که به صورت هم‌جوار با زبان ترکی رایج در آن استان در آبادی‌های دو گویشی یا یک گویشی ترکی‌زبان به کار می‌رود، مورد بررسی قرار گیرد. در گروه واژه‌های مربوط به روابط خویشاوندی، بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های آوایی، معادل‌های زیادی با ترکی آذری گونه تبریزی شباهت دارند. واژه‌های خویشاوندی خواهر، برادر و پدر بزرگ تحت تأثیر فارسی محلی آن منطقه تغییر کرده‌اند. می‌توان دریافت که دیگر واژه‌های مربوط به روابط خویشاوندی واژه‌های بنیادی تری هستند که تحت تأثیر تغییرات زبانی قرار نگرفته‌اند. مقوله‌های واژگانی مربوط به طبیعت بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های آوایی همگی شبیه ترکی آذری گونه تبریزی هستند. البته به این نکته باید اشاره کرد که در دو آبادی از آبادی‌های مورد بررسی متأسفانه مصاحبه‌شوندگان تحت تأثیر زبان فارسی، برخی از معادل‌ها را به فارسی گفته‌اند. به نظر می‌رسد که واژه‌های مربوط به طبیعت نیز از واژه‌های بنیادی به شمار می‌روند. در مورد مقوله مربوط به گیاهان، مشاهده می‌شود که این مقوله بیشتر تحت تأثیر فارسی محلی قرار گرفته‌است و میزان شباهت در کل گروه ۴۰ درصد است. میزان شباهت در واژه‌های مربوط به اعضای بدن بدون توجه به تفاوت‌های آوایی، در دو گونه ترکی آذری تبریزی و ترکی رایج در آبادی‌های مورد بررسی در استان کرمان ۱۰۰ درصد است. برای نام حیوانات میزان شباهت در بین دو گونه ترکی در بیشتر موارد بسیار زیاد است. در گروه واژه‌های مربوط به ضمیرهای فاعلی، اگر اشتباهات آزمودنی‌ها و تفاوت‌های آوایی را در نظر نگیریم، شباهت کامل در دو گونه ترکی آذری تبریزی و ترکی رایج در استان کرمان وجود دارد. بنابراین، ضمائر فاعلی نیز می‌توانند از واژه‌های بنیادی به شمار می‌آیند. اعداد یک تا ده در بین آزمودنی‌های ترکی‌زبان آبادی‌های مورد بررسی ۱۰۰ درصد مشابه همین اعداد در ترکی آذری هستند. این اعداد واژه‌های پایه‌ای هستند و شباهت کامل نیز به همین دلیل است. ولی در مورد سه عدد دیگری که در پرسشنامه اطلس وجود دارد، مشاهده می‌شود که بیشتر گویشوران معادل‌های فارسی آن‌ها را به کار می‌برند ولی در یک آبادی معادل‌هایی شبیه به معادل‌های ترکی آذری گونه تبریزی بهره گرفته شده‌است. در مورد صفت‌های اشاره از دو آبادی اطلاعاتی در دسترس نیست، یک مورد تفاوت آوایی وجود دارد و در یک مورد نیز تحت تأثیر گفتار مصاحبه‌کننده معادل فارسی به کار گرفته شده‌است و بدون توجه به این موارد، شباهت کامل وجود دارد. از بین چهار قید مکان مورد بررسی در پیکره، بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های آوایی، هر چهار مورد مشابه هستند. در این

مقوله نیز برخی اشتباه‌ها از سوی گویشوران در بیان معادل‌ها انجام گرفته و در مواردی نیز اطلاعات زبانی در دسترس نیست. واژگانی که در پرسشنامه اطلس زبانی ایران، در هیچ یک از دسته‌بندی‌ها قرار نگرفتند، در دسته‌ای جداگانه به نام «سایر واژگان»، گروه‌بندی شدند. از بین ده واژه این گروه، دو مورد از آن‌ها تفاوت واژگانی نشان می‌دهند و میزان شباهت این گروه از واژه‌ها بین ترکی آذری گونه تبریزی و ترکی رایج در آبادی‌های مورد بررسی در شهرستان ارزوئیه استان کرمان تا اندازه‌ای بالاست. شباهت‌های بسیار واژگانی بین این دو گونه ترکی نمایانگر آن است که ترکی رایج در آبادی‌های ترکی‌زبان شهرستان ارزوئیه در استان کرمان همانند ترکی آذری گونه تبریزی، از شاخه اوغوز در خانواده زبان‌های ترکی تبار قرار می‌گیرد. میزان شباهت‌های زیاد مقوله‌های واژگانی مورد نظر در هر یک از آبادی‌های ترکی‌زبان شهرستان ارزوئیه در استان کرمان به تفکیک، با معادل‌های آن‌ها در ترکی آذری، که در قالب نمودارهایی نشان داده شده‌اند نیز در تأیید این موضوع است. یافته‌های بررسی داده‌های برآمده از پیکره پژوهش که نشان‌دهنده وجود شباهت‌های بسیار واژگانی مابین ترکی رایج در آبادی‌های ترکی‌زبان شهرستان ارزوئیه در استان کرمان با ترکی آذری است، با دیدگاه پژوهشگرانی همچون وثوقی رهبری (Vosughi Rahbari, 1997) و باستانی پاریزی (Bastani Parizi, 1976) تأیید می‌شود. زیرا آن‌ها بر این باورند که مردم ترک‌زبان ساکن در استان کرمان، از اقوام بچاقچی و افشار هستند، از آذربایجان به کرمان کوچ کرده‌اند و زبان آن‌ها نیز احتمالاً از نوع ترکی اوغوز و هم خانواده با ترکی آذری است. از سویی نیز به سبب نزدیکی جغرافیایی فارس‌زبان‌ها و اقوام ترک‌زبان در منطقه کرمان، در مواردی واژگان این گونه ترکی با عناصر فارسی گونه محلی آمیخته شده‌است و این موضوع نیز از دید افشار سیستانی (Afshar Sistani, 1987) مورد تأیید است. چرا که به سبب ارتباط ایل بچاقچی با روستاییان دیگری که فارسی زبان هستند، اصطلاح‌ها و واژه‌های زبان فارسی در زبان آن‌ها نفوذ کرده‌است و به همین سبب در گفت‌وگوهای روزمره خود و در هنگام کار کشاورزی و درست کردن صنایع دستی از اصطلاح‌ها فارسی بهره می‌گیرند.

فهرست منابع

احمدی گیوی، حسن (۱۳۸۳). دستور تطبیقی زبان ترکی و فارسی. تهران: نشر قطره.
 افشار سیستانی، ایرج (۱۳۶۶). مقدمه‌ای بر شناخت ایل‌ها، چادرنشینان و طوایف عشایری ایران. ج ۲. تهران: انتشارات هما.

امینی، رضا. (۱۳۹۳). «دوگان‌سازی در زبان ترکی». جستارهای زبانی. دوره ۵. شماره ۳ (پیاپی ۱۹). صص ۲۷-۵۴.

امینی، رضا. (۱۴۰۰). «تحلیل و بررسی تنوع واژگانی در آبادی‌های شهرستان خرم‌آباد». زبان فارسی و

فصلنامه علمی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء^(س)، سال پانزدهم، شماره ۴۶، بهار ۱۴۰۲ / ۱۷۹

گوشیهای ایرانی. سال ۶. دوره ۱. شماره ۱۱. صص ۱۰۳-۱۲۸.

باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۵۴). «فرهنگ مردم کرمان». مجله دانشکده. نشریه مرکزی (دانشگاه تهران). شماره ۳. صص ۲۲۹-۲۴۳.

باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۵۵). *وادی هفت واد*. تهران: انجمن آثار ملی.

بلوکباشی، علی (۱۳۹۴). «افشار». *دانشنامه ایران*. ج ۴. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

Retrieved from <<https://cgie.org.ir/fa/article/230991>>

بهرامی خورشید، سحر، اردشیر ملکی مقدم و صابر میرزایی نیا. (۱۳۹۷). «دستوری شدگی در ترکی آذربایجانی: مطالعه موردی مقوله پس اضافه». *زبان پژوهی*. سال ۱۰. شماره ۲۷. صص ۶۹-۸۹.

بهزادی، بهزاد (۱۳۸۴). *فرهنگ فارسی آذربایجانی*. تهران: نشر نخستین.

پرمون، بداله (۱۳۸۵). *طرح ملی اطلس زبانی ایران، کتابچه جامع تدوین اطلس (مستندسازی، پایگاه داده‌ها، نقشه)*. تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.

جعفری، محمدعلی و مهین ناز میردهقان (۱۳۹۷). «بررسی مقابله‌ای رده‌شناختی همگانی‌های گرینبرگ در گونه‌های ترکی رزن، تبریز و استانبولی». *جستارهای زبانی*. دوره ۹. شماره ۴ (پیاپی ۴۶). صص

۶۱-۸۸

حسن دوست، محمد (۱۳۹۳). *فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی*. ج ۱، ۲، ۳، ۴. چ ۲. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

حیدری، عبدالحسین و افسر روحی (۱۳۹۳). «قلب نحوی در زبان ترکی آذری بر اساس مدل کاوشگر-هدف برنامه کمینه‌گرایی». *جستارهای زبانی*. دوره ۵ (پیاپی ۱۷). صص ۲۷-۴۴.

حیدری، عبدالحسین (۱۳۹۷). «تأثیر تماس زبانی بر کاربرد حروف ربط فارسی در ترکی آذربایجانی». *پژوهش‌های زبانی*. سال ۹. شماره ۲. صص ۱۰۹-۱۲۸.

حیدری، عبدالحسین (۱۳۹۸). «تماس زبان‌های فارسی و ترکی آذربایجانی و تأثیر آن بر ساخت جملات مرکب ترکی آذربایجانی». *فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین*. دوره ۹. شماره ۳. شماره پیاپی ۲۵. صص ۵۳-۷۰.

حیدری، عبدالحسین (۱۳۹۹). «تحلیل نقش‌نماهای اسم فارسی در گفتار گویشوران ترکی آذربایجانی بر اساس مدل چهار تکواژ». *زبان پژوهی*. سال ۱۲. شماره ۴. صص ۱۵۷-۱۷۵.

رستم‌بیگ تفرشی، آتوسا (۱۳۹۵). «اطلس گویشی و اندازه‌گیری فاصله‌های گویشی در استان همدان». *جستارهای زبانی*. جلد ۷. شماره ۱. صص ۳۹-۵۸.

رضایی، مهدی (۱۳۹۸). «ارتباط زبان‌های ترکی و مغولی و خطا در تشخیص واژه‌های دخیل ترکی و مغولی در زبان فارسی». *زبان پژوهی*. سال ۱۱. شماره ۳۰. صص ۷-۱۸.

رضاقلی فامیان، علی (۱۳۹۵). «نگرش شهروندان تبریز به تنوعات گویشی در استان آذربایجان شرقی با تأکید بر سه شاخص تفاوت زبانی، صحیح بودن و خویشاوندی». *زبان و زبان‌شناسی*. دوره ۱۲. شماره ۲۴. صص ۲۱-۴۱.

زندرضوی، سیامک (۱۳۷۲). «ایلات و عشایر کرمان: پیشینه تاریخی و مسئله اسکان». *فصلنامه علوم اجتماعی*. صص ۱۶۷-۲۱۴.

صفایی اصل، اسماعیل (۱۳۹۴). «رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها در زبان آذربایجانی». *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*. سال ۵. شماره ۹. صص ۱۶۵-۱۸۶.

فرشایان، احمد، اسماعیل صفائی اصل و یوسف آرام (۱۳۹۷). «رده‌شناسی نظام آغازگر در دو زبان فارسی و ترکی آذری». *دوماهنامه جستارهای زبانی*. دوره ۹. شماره ۶ (پیاپی ۴۸). صص ۱۵۷-۱۸۶.

فیلد، هنری (۱۳۴۳). *مردم‌شناسی ایران*. ترجمه عبدالله فریار. تهران: انتشارات کتابخانه ابن سینا.
قلی فامیان، علیرضا (۱۳۹۵). «نگرش شهروندان تبریز به تنوعات گویشی در استان آذربایجان شرقی با تأکید بر سه شاخص تفاوت زبانی، صحیح بودن و خویشاوندی». *زبان و زبان‌شناسی*. شماره ۲۴. صص ۴۱-۲۱.

کاشغری، محمود بن حسین (۱۳۸۳). *دیوان لغات الترك*. ترجمه حسین محمدزاده صدیق. تبریز: نشر اختر.
مجدالاسلام کرمانی، احمد (۱۳۵۱). *تاریخ انحلال مجلس*. اصفهان: دانشگاه اصفهان.

میرواحدی، سیدهادی (۱۳۹۵). «نقش نهاد خانواده در حفظ زبان‌ها مطالعه موردی زبان آذربایجانی در تبریز». *مجله زبان و زبان‌شناسی*. دوره ۱۲. شماره ۲۳. صص ۱-۱۶.

نسی فر، نسا و مجتبی منشی‌زاده (۱۳۹۱). «ساخت سببی ریشه‌ای، تکوازی و کمکی در ترکی آذری». *زبان پژوهی*. سال ۳. شماره ۶. صص ۲۲۳-۲۶۴.

نسی فر، نسا (۱۳۹۵). «بررسی معنایی، نحوی و کاربردشناختی سببی‌های مرکب در ترکی آذری». *جستارهای زبانی*. دوره ۷. شماره ۲ (پیاپی ۳۰). صص ۲۲۳-۲۴۳.

وثوقی رهبری، علی‌اکبر (۱۳۷۶). *تاریخ سیرجان*. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.

هادی، اسماعیل (۱۳۸۶). *لغتنامه جامع اتیمولوژیک ترکی-فارسی دیل دنیز*. تبریز: نشر اختر.

همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۳۸). *جامع التواریخ*. به کوشش بهمن کریمی. تهران: اقبال.

References

- Afshar Sistani, I. (1987). *An introduction to the knowledge of the tribes, nomads and nomadic tribes of Iran*. Tehran: Rahnama Publication. (in Persian)
- Ahmadi Givi, H. (2004). *Comparative grammar of Turkish and Persian languages*. Tehran: Ghatre (in Persian)
- Aikhenvald, A.Y. (2002). *Language contact in Amazonia*. New York: Oxford University Press.
- Amini, R. (2014). "Reduplication in Turkish Language". *Language Related Research*, 5 (3). 27-54. [In Persian].
<http://lrr.modares.ac.ir/article-14-11055-en.html>
- Amini, R. (2021). Lexical Variation in Villages of Khorramabad. *Persian Language and Iranian Dialects*, 6 (11), 103-128. (in Persian)
<https://doi.org/10.22124/plid.2021.18724.1518>
- Bahrami, Kh., Maleki Moghaddam, A., & Mirzainia, S. (2018). Grammaticalization in Azerbaijani Turkish: A case study of postpositions. *Journal of Language*

- Research*, 10(27), 69-89. (in Persian)
<https://doi.org/10.22051/jlr.2017.11563.1191>
- Bastani Parizi, M. E. (1975). The culture of Kerman people. *Faculty Journal* (The Central Journal of Tehran University), 3, 229-243. (in Persian)
- Bastani Parizi, M.E. (1976). *Vadi haft vad*. Tehran: Society for National Works. (in Persian)
- Behzadi, B. (2005). *Persian Azerbaijani dictionary*. Tehran: Nokhostin Publication. (in Persian)
- Bulukbashi, A. (2015). *Iran Encyclopedia*. Vol. 4. Tehran: The Center for The Great Islamic Encyclopedia. Retriever from
<<https://cgie.org.ir/fa/article/230991>> (in Persian)
- Capuz, J.G. (1997). Towards a typological classification of linguistic borrowing (Illustrated with Anglicisms in Romance Languages). *Revista Alicantina de Estudios Ingleses*. (10), 81-94. <https://doi.org/10.14198/raei.1997.10.08>.
- Clauson, S.G. (2002). *Studies in Turkic and Mongolia linguistics*. London: Routledge.
- Farshbafian, A., Safaei Asl, E., Aram, Y. (2019). Typology of theme system in Persian and Azeri Turkish. *Language Related Research*, 9 (6), 157-186. (in Persian) [20.1001.1.23223081.1397.9.6.10.5](https://doi.org/10.22051/lrr.2019.1592)
- Field, H. (1964). *Iran Anthropolgy* (Trans: A. Faryar). Tehran: Ebn-e Sina Library Publication. (in Persian)
- Geeraerts, D., Grondelaers, S., & Bakema, P. (1994). *The structure of lexical variation: meaning, naming, and context*. Berlin: De Gruyter Mouton.
- Gholi Famian, A. (2016). Attitude of Tabrizi citizens toward dialectal Vvriation across east Azerbaijan province with focus on linguistic differences, correctness and pleasantness. *Language and Linguistics*, 12(24), 21-44. (in Persian)
- Hadi, I. (2007). *An etymological dictionary of Turkish*. Tabriz: Akhtar Publication. [In Persian].
- Hamedani, R.F. (1959). *Jame-o-Tavarikh* (Trans: B. Karimi). Tehran. (in Persian)
- Harris, A., & Campbell, L. (1995). *Historical syntax in cross-linguistic perspective*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Hasandoust, M. (2014). An etymological dictionary of the Persian language. Vol 1,2,3,4. Tehran: The Academy of Persian Language and Literature. (in Persian)
- Heidari, A. (2019). Contact between Persian and Turkish Azeri languages and its impact on the composition of Azeri compound sentences. *Journal of Iranian Regional Languages and Literature*, 3 (25), 53-70. (in Persian)
<https://doi.org/10.30495/IRLL.2019.669544>
- Heidari, A. (2019). The effect of Persian conjunctions use on Azerbaijani Turkish. *Journal of Language Research*, 9 (2), 109-128. (in Persian) <https://doi.org/10.22059/JOLR.2018.74548>
- Heidari, A. (2020). Analyzing the case markers of Persian noun in Azerbaijani speakers' speech, based on the 4-M Model. *Journal of Language Research* 12 (34), 157-176. (in Persian) <https://doi.org/10.22051/jlr.2019.21999.1592>
- Heidari, A., & Rouhi, A. (2014). Scrambling in Azari -Turkish based on prob-goal model of minimalism. *Language Related Research*, 5 (1), 27-44. (in Persian) <http://lrr.modares.ac.ir/article-14-12279-en.html>
- Jafari, M.A., & Mirdehghan, M. (2018). A typological contrastive study of

- Greenbergian universals in Turkish dialects of Razan, Tabriz and Istanbul. *Language Related Research* 9 (4), 61-88. (in Persian) <https://doi.org/20.1001.1.23223081.1397.9.4.4.5>
- Johanson, L. (1998), The history of Turkic. In Lars Johanson and Éva Á. Csató (Eds.), *The Turkic languages* (pp. 81-125). UK: Routledge.
- Johanson, L. (2006). Azerbaijanian. In Keith Brown (Ed.), *Encyclopedia of language and linguistics* (pp. 635-638). Netherlands: Elsevier.
- Johanson, L. (2010), Historical, cultural and Linguistic aspects of Turkic-Iranian contiguity. In L. Johanson & Ch. Bulut (Eds.), *Turkic-Iranian contact areas: Historical and linguistic aspects* (pp. 2-14). Germany: Harrassowitz Verlag, Wiesbaden.
- Johanson, L. (2010), Turkic language contacts. In H. Raymond Malden (Ed.), *The handbook of language contact* (pp. 625-672). MA: Wiley-Blackwell.
- Kashghari, M. (2004). *DIVAn-ü LUGAT-it TÜRK* (Trans: H. Mohammadzadeh Sadigh). Tabriz: Akhtar Publication. (in Persian)
- Kornfilt, J. (2009). Turkish And the Turkic languages. In B. Comrie (Ed.), *The world's major languages* (pp. 519-544). UK: Routledge.
- Lee, S. N. (1996). *A grammar of Iranian Azerbaijani* (Doctoral dissertation). University of Sussex, Brighton, United Kingdom.
- Lyovin, A.V., Kessler, B., & William, R. (2017). *An introduction to the languages of the world*. Oxford: Oxford University Press.
- Majdoleslam Kermani, A. (1972). *The date of dissolution of the parliament*. Isfahan: Isfahan University. (in Persian)
- Menges, K.H. (1995). *The Turkic languages and peoples: An introduction to Turkic Studies*. 2nd edition. Germany: Harrassowitz.
- Mirvahedi, S.H. (2016). The role of families in language maintenance (The case of Azerbaijani in Tabriz). *Language and Linguistics*, 12(23), 1-16. (in Persian)
- Nabi Far, N., & Monshizade, M. (2012). Making the root, morphological, and helping causatives in Azari Turkish. *Journal of Language Research*, 3(6), 223-264. (in Persian) <https://doi.org/10.22051/jlr.2013.1039>
- Nabi Far, N. (2016). The study of semantic, syntactic and pragmatic characteristics of Azeri Turkish complex causatives. *Language Related Research*, 7(2), 223-243. (in Persian) <http://lrr.modares.ac.ir/article-14-4124-en.html>
- Parmun, Y. (2007). *The national project of the linguistic Atlas of Iran (LAI); A comprehensive book of directions for Atlas*. Tehran: Iranian Cultural Heritage, Hand Crafts and Tourism Organization. (in Persian)
- Rezai, M. (2019). The relationship between Turkic and Mongolian languages and errors in detection of Turkic and Mongolian loan words in Persian. *Journal of Language Research* 11(30), 7-20. (in Persian) <https://doi.org/10.22051/jlr.2018.15295.1333>
- Rostambeik Tafreshi, A. (2016). Dialect Atlas and measuring dialect distances in Hamedan. *Language Related Research*, 7 (1). 39-58. (in Persian) URL: <http://lrr.modares.ac.ir/article-14-5120-en.html>
- Safai Asl, E. (2015). Word order typology in Azerbaijan. *Iranian Journal of Comparative Linguistic Research*, 5(9), 165-186. (in Persian)
- Stilo, D. (2014). Further notes on the Iranian substratum of Azerbaijani Turkic. In H.Stein (Ed.), *Turkic languages in Iran-past and present* (pp. 271-293). Germany: Wiesbaden.
- Stilo, D. (2016). On the non-Persian Iranian substratum of Azerbaijan. In É. Á.

- Csató, L. Johanson, A. Róna-Tas, & B. Utas. (Eds.), *Turks and Iranians interactions in language and history* (pp. 185-234). Germany: Harrassowitz Verlag, Wiesbaden.
- Thomason, S. G. , & Kaufman, T. (1988). *Language contact, creolization, and genetic. Linguistics*, Los Angeles: University of California Press.
- Vosughi Rahbari, A. A. (1997). *The history of Sirjan*. Kerman. Center for Kermanology. (in Persian)
- Winford, D. (2003). *An introduction to contact linguistics*. USA: Blackwell publishing
- Zand-e Razavi, S. (1993). Kerman nomadic tribes: The historical background and the accommodation. *Social Sciences*, 2(3.4), 167-213. (in Persian)
<https://doi.org/20.1001.1.17351162.1372.2.3.4.8.1.8>

